

# اشرافیت سیاسی



نشریه ی مستقل دانشجویی  
سیاسی، اجتماعی، فرهنگی  
سال اول، شماره ی سوم  
اسفندماه ۹۴

شماره ی مجوز: ۹۴۳۴۷۵  
سردبیر و مدیر مسئول: محمد سعید ابراهیمی

هیئت تحریریه:

آقایان: سیدسعید حبیبزاده، آبتین نورانی،

محمدصادق اکبری، سیدجلیل حسینیان،

محمدسعید ابراهیمی

خانم ها: الهه سادات حسینی، صالحه رضایی،

فاطمه حسنزاده

طراح و صفحه آرا:

ابوالفضل عباسی و احمد قربانی پور

نوعی «خودمرکز گرایی» (اگو سنتریسم) می باشد و مواضع وی یا در جهت تثبیت این مرکز گرایی و یا در جهت مقابله با هر آن چیزی است که این امر را به رسمیت نشناخته، چنین جایگاهی برای وی متصور نباشد.

شدت و حدت این احساس خودمرکزگرایی به قدری است که هاشمی در مواردی برای خود، نقشی تاثیرگذار تر از حضرت امام (ره) در به ثمر نشستن انقلاب و پیشبرد آن قائل اند و حتی در سخنانی مدعی می شود که امام (ره) در برهه ای از زمان، قصد دست کشیدن از مبارزه داشتند ولی وی ایشان را برای ادامه ی مبارزات انقلابی قانع کرده است.

از دیگر سوی، واکنش های ایشان در جهت مقابله با «مرکز زدایی» از وی به گونه ای است که هر کس این مرکزگرایی را به رسمیت نشناسد، مورد شدیدترین عتاب ها و اهانت ها واقع می شود و از این حیث تفاوتی میان اصولگرا و اصلاح طلب و سایر جریان ها وجود ندارد.

تجلی عینی این روحیات هاشمی، در اقداماتی از قبیل برنتافتن رای ملت در ادوار مختلف انتخابات، توهین و تمسخر منتقدان و رقبا با القابی چون کلاغ و قاطر، عدم تمکین به قانون، تخریب نهادهای قانونی با اغراض شخصی، اهانت به اقشار کم برخوردار جامعه از جمله روستائیان شریف و... تبلور می یابد. خلیقات نخوت آلودی که اگر نخواهیم از آن با عنوان «تفرعن سیاسی» یاد کنیم با مسامحه و اغماض باید عنوان «اشرافیت سیاسی» بر آن نهاد.

| محمدسعید ابراهیمی، حقوق ۹۲ |

آزادی و جبهه ی ملی و... نیز که عمق خواسته های مردم را درک نمی کردند و قائل به اصلاحات جزئی به جای انقلاب تمام عیار بودند، با پاسخ مقتضی مردم، از قطار انقلاب پیاده شدند.

ستایش های بی بدیل خمینی کبیر (ره) از مردم و به ویژه مستضعفین و ترجیح کوخ نشینان بر کاخ نشینان، شاهد مثال مدعی فوق می باشد.

با این حال روند تحولات پس از انقلاب و خاصه پس از جنگ تحمیلی، به گونه ای رقم خورد که از شکل گیری نوعی اشرافیت سیاسی، خبر می داد. این پدیده توسط برخی از «سابقون انقلاب» شکل گرفت و پیدایش آن ناشی از آن بود که این افراد، بدان علت که خود را در پیروزی انقلاب سهیم می دانستند انقلاب را ملک طلق خود تصور کرده، برای خود حقی ویژه در ترسیم مسیر پیش روی انقلاب قائل بودند.

این طرز فکر نه تنها متضمن به حاشیه راندن مردم از سپهر سیاسی کشور است بلکه تالی فاسد دیگری نیز دارد و آن اینکه چنانچه برخی از سابقون انقلاب، آن را مایملک خود بدانند، خود را محق برای هرنوع دخل و تصرفی در آن خواهند دانست، حتی تصمیم درباره ی پایان انقلاب و انقلابی گری...

همانگونه که از نظر گذشت، پدیده ی «اشرافیت سیاسی» محصول دولت تکنوکرات سازندگی به ریاست هاشمی رفسنجانی بود. سخن راندن در باب اثبات اشرافی گری هاشمی رفسنجانی (اعم از اشرافیت سیاسی، اقتصادی و...) مصداق بارز توضیح واضح است به گونه ای که تصور آن بلادرنگ موجب تصدیق خواهد شد لیکن برای مستدل بودن نوشتار، به بیان مصادیقی چند از این امر، خواهیم پرداخت.

به تصدق بسیاری از کارشناسان، اعمال و اقوال هاشمی، خاستگاه روانشناسانه دارد و ناشی از

برخلاف تصور رایج از مقوله ی اشرافیت که عمدتاً در مسائل اقتصادی از قبیل کاخ نشینی، مانور تجمل و امثال ذلک خلاصه می شود اشرافیت به شقوق دیگری نیز منقسم می شود که از آن جمله می توان به «اشرافیت سیاسی» اشاره کرد. به بیان دقیق تر، اشرافیت، اصولاً مفهومی سیاسی است و به طبقه ای از صاحبان «حق ویژه» در جامعه ی ماقبل مدرن اشاره دارد. گرچه اشراف، نوع خاصی از سبک زندگی و مصرف داشتند اما این سبک زندگی را مرهون موقعیت سیاسی خویش بودند.

با اندکی تامل و مذاقه در مثنی و منش بنیان گذار جمهوری اسلامی، می توان دریافت که انقلاب اسلامی، ماهیتی ضد اشرافی داشته است و نه تنها «اشرافیت حاکم» (رژیم منحوس پهلوی) را نفی می کرد بلکه «اشرافیت غیر حاکم» و به اصطلاح، اپوزیسیون قانونی رژیم از قبیل نهضت



با دستمال کثیف نمی شود شیشه را تمیز کرد. اگر انسان بخواهد با فساد مبارزه کند، باید در درجه اول مراقب باشد که فساد دامن خودش را نگیرد. (امام خامنه ای)

چند سالی است که مفاسد اقتصادی و خاصه اختلاس، به طرز زائدالوصفی رو به گسترش گذاشته است و هر از چند گاهی خبری مبنی بر کشف یک جرم اقتصادی جدید با ارقام نجومی منتشر می شود به گونه ای که مبارزه با این مفاسد، مبدل به یک مطالبه عمومی گشته است و هر گروهی ولو به صورت نمایشی این مفاسد را محکوم نموده، جناح خود را از آن مبری جلوه می دهد. اینک اما در آستانه ی انتخابات این مطالبه جدی تر شده است بدین معنا که یکی از مهم ترین مولفه های رای دهندگان برای انتخاب نمایندگان، بری بودن آن ها از فساد مالی است و به همین سبب ضرورت مرزبندی جناح ها با افراد مسئله دار، دوچندان گشته است و در این راستا کاندیداها، به حق یا با توسل به دروغ، این فساد ها را به جناح رقیب خود منتسب می کنند و خود را عاری از هرگونه تخلف مالی معرفی می کنند.

مدعیان اصلاح طلبی، همان هایی که در دوران تصدی قدرت، شماتت اسلام را در دستور کارشان قرار داده بودند و در سال ۸۸ وقیحانه تر از پیش، حرمت حسین بن علی (ع) را شکستند بنا بر سنتی الهی

## اختلاس طلبان

که به موجب آن، دشمنان جبهه حق از جهال و حمقاء آفریده شده اند، به رغم ادعای مبارزه با مفاسد اقتصادی و متهم نمودن دیگران به دست داشتن در این امور، خود دست به دامان افرادی شده اند که کوس رسوایی شان سال هاست نواخته شده است و در میان خاص و عام به عنوان مختلس، شهره اند. یکی از این مفسدین اقتصادی که علنا از این جناح حمایت می کند و مدعیان اصلاح طلبی نیز او را در زمره ی خود می دانند شهردار اسبق تهران، غلامحسین کرباسچی است که در نقش حامی مالی اصلاح طلبان ظاهر گشته است. البته این پول های کثیف که به این اردوگاه تزریق می شود مسلما بیش از این هاست و دوپینگ های مالی کرباسچی به مثابه آیسبرگ بزرگ است که تنها قسمتی از آن بر روی آب شناور است و حجم معتناهی از آن مخفی و دور از معرض دید است ولی در این فقره بدان سبب که فرد مذکور، به دنبال سهم خواهی سیاسی از این طیف و داشتن نماینده در ائتلاف اصلاح طلبان است حمایت از اصلاح طلبان را علنی کرده است.

شادمانی ناشی از یافتن یک اسپانسر مالی و یک منبع تزریق پول (ولو آلوده) به کارزار انتخابات، آنچنان هوش از سر اصلاح طلبان برده است که یادشان رفته است

طی چند سال اخیر تکیه کلامشان محکوم کردن مفاسد اقتصادی بوده است و این را درنیافتند که حضور کرباسچی در شورای سیاستگذاری اصلاح طلبان، یک اقدام پارادوکسیکال است که با ادعای دروغین مبارزه با فساد همخوانی ندارد و حکم همان دم خروس بیرون زده ای است که قسم حضرت عباس را باورناپذیر می سازد.

مدعیان اصلاحات به پشتوانه رسانه های زنجیره ای و تبحر در امر عملیات روانی و با توسل به شیوه های ماکیاولیستی، چند صباحی در صدد القای این امر بودند که جریان رقیب آنها، مسبب ظهور و بروز مفاسد اقتصادی است و شاید تا کنون، کم و بیش به این هدف نائل شده بودند اما به حکم آیه ی «ان کید الشیطان کان ضعیفا» این پروژه ی آنها به واسطه ی توسل علنی و بی پروا به اختلاس و بر همگان معلوم گشت فساد اقتصادی حاصل کدام دیدگاه است تفکر لیبرالی یا تفکر انقلابی.

آری، دروغگو کم حافظه است و ماه تا به ابد پشت ابر پنهان نمی ماند بلکه دیری نمی پاید که حقیقت چهره اش را نمایان می ساد و جریان نفاق و مثلث زر و زور و تزویر را رسوا می سازد.

محمدسعید ابراهیمی، حقوق ۹۲ |

همچنان که دولت فعلی روی کار آمدن خویش را مرهون تحریم ها بوده است، همو خود، «بزرگترین کاسب پساتحریم» نیز می باشد.

## سخنی با امام (ره)

خوانندی!

اماما! من جوانی هستم که در دوره ی جذابیت مادیات، به دنبال راهی میانبر برای رسیدن به تعالی و نشاط واقعی، سیره ی زندگی تو را پیدا کرده ام. زیرا تو به همه نشان دادی که دنیا را میتوان تکان داد از روی همان تخت نشیمن گاه اتاق کوچکت، و به همه فهماندی که میشود فطرت انسانها را به آنها نمایاند در همان آینه ی دایره ای شکل روی طاقچه ی خانه ات!

اماما! تو از همان ابتدا ساده زیستی تا ساده زیستن را بیاموزیم، چیزی که ما اصلا نیاموخته ایم و مردود میشویم و یا اگر قبول شویم، با تک ماده آن را پاس میکنیم!!

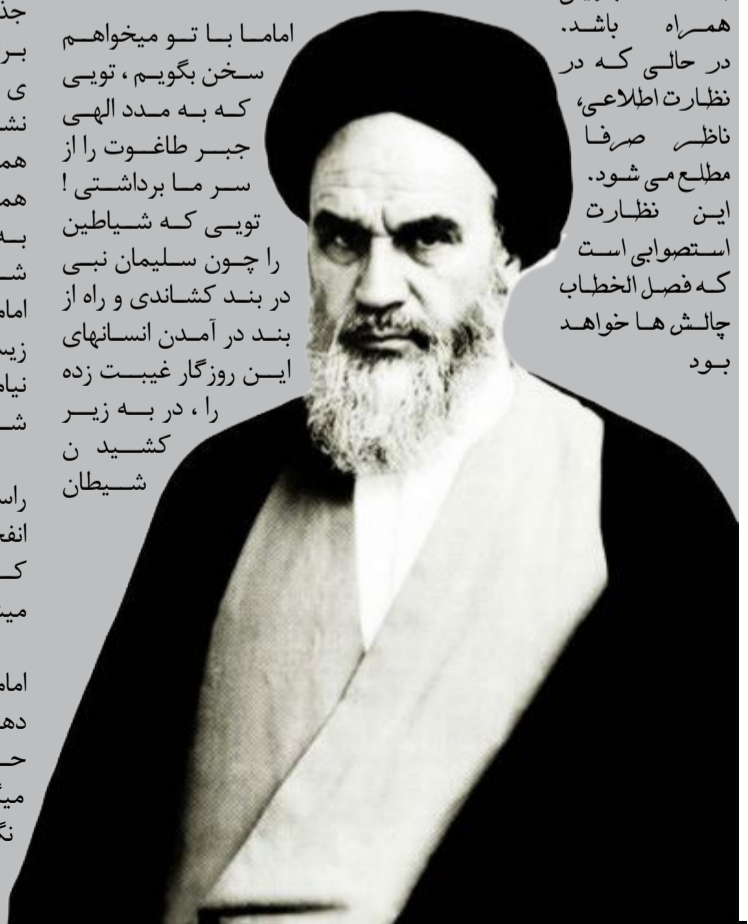
راستی نگاهت تا کجا بود که انقلاب را انفجاری از نور خواندی؟ در عجبیم از مردمی که روز به روز رسوای روشنایی نور انقلاب میشوند و در حقانیت انقلاب شبهه دارند!

اماما! صبر و حلم و بردباری تو آنقدر آرامش دهنده است که حمله ی یک جانبه ی حزب بعث را با آرامش تمام خویش ساده میگیری تا مردم را در مسیر انقلاب مقاوم نگه داری و روح غیرت را در آنها زنده کنی. هر کجای جهان که نگاه می اندازم سرر اضطراب و آشفتگی ست، ولی

امام (ره) آن یگانه مردی ست که طبیعه ی معرفتش بر دلهای نسل ما هم نشسته است. میخوامم با او کمی بی پرده سخن بگویم!

اماما با تو میخوامم سخن بگویم، تویی که به مدد الهی جبر طاغوت را از سر ما برداشتی! تویی که شیاطین را چون سلیمان نبی در بند کشاندی و راه از بند در آمدن انسانهای این روزگار غیبت زده را، در به زیر کشیدن شیطان

نظارت زمانی معنا پیدامی کند که با ضمانت اجرایی همراه باشد. در حالی که در نظارت اطلاعاتی، ناظر صرفا مطلع می شود. این نظارت استصوابی است که فصل الخطاب چالش ها خواهد بود



متانت و آرامش امروز پیروان تو حاصل همان خنده های زیبا و حلم و صبری ست که در کالبدشان دمیده ای.

راستی بعد از تو عده ای خواستند روی ماشین انقلاب چادر بکشند، همانهایی که تو سالوسگر خواندیشان و گفتی همیشه معیار حال فعلی اشخاص باشد، ما هم کوتاه نیامدیم و تا هستیم، تو را خشنود نگه میداریم.

امام عزیزم!

مسیر انقلاب باتمام پستی و بلندیهایش، انسان را با نشاط نگه میدارد و به او پویایی می بخشد، آنها که جا مانده اند از این کاروان، نق می زنند و آنها که لغزیده اند به هوسهای شیطان تن داده اند.

امام مهربانم! ما توانستیم خودمان علم را تولید کنیم، این اراده را تو با رهنمودهای حکیمانانه ات یادمان دادی.

ای بنده ی صالح خداوند، در این بحبوحه ای که عده ای از آب گل آلود ماهی گنده میگیرند، زندگی تو الگوی زیبایی از سبک صحیح زندگی ست، خدا را شکر به این اسوه.

سیدجلیل حسینیان-شیمی ۹۰ |



## انقلابی یا نفوذی، مسئله این است

رقم خورده است و از همان ابتدا، گروه هایی که کمترین سهم را در پیروزی نهضت داشته و مشی آن ها نیز مورد قبول عامه مردم نبود، به سهم خواهی های ناروا برخاسته، دست تطاول به دستاوردهای انقلاب دراز کردند. از منافقین و حزب توده، تا افرادی که در درون بدنه ی نظام مبادرت به این سهم خواهی ها نمودند و در تاریخ انقلاب به «جریان تحمیلگرها» موسوم شدند.

بهرترین مثال تقص برای نظر فرانتس فانون، انقلاب کشور ماست که نه تنها انقلاب فرزندان راستین خود را نبلید بلکه برخی فرزندان ناخلف، عزم بلعیدن آن نموده اند.

علیهذا، بهترین مثال نقض برای نظر فرانتس فانون، انقلاب کشور ماست که نه تنها انقلاب، فرزندان راستین خود را نبلید بلکه برخی فرزندان ناخلف، عزم بلعیدن آن نموده اند غافل از اینکه «نور الله» را نمی توان «بافواهم» اطفاء نمود.

آری، چراغی را که ایزد بر فرزند هر آنکس پف کند ریشش بسوزد

محمدسعید ابراهیمی، حقوق ۹۲ |

درگیرد و برخی سابقون انقلاب که روزی دوشادوش یکدیگر نبرد می کردند، علیه نظامی که خود از پایه های شکل گیری آن بوده اند، بشورند.

البته در مواردی نیز ممکن است پس از انقلاب، انقلابیون حقیقی کنار گذاشته شوند و نفوذی ها بر سر کار بیایند. برای نمونه در جریان انقلاب کبیر فرانسه، به واسطه ی اختلاف میان دو گروه از انقلابیون موسوم به ژاکوبین ها و ژیروندین ها، ۴۰ هزار نفر به زیر تیغ تیز گیوتین رفتند که از آن جمله انقلابی سرشناس، ژرژ ژاک دانتون را می توان نام برد. و پس از چندی، دیگر بار همان نظام منحط سلطنتی توسط فردی دیگر (ناپلئون بناپارت)، بر سر کار آمد.

زد و خورده های اینچنینی میان گروه های دخیل در انقلاب و حذف برخی از این جریانات از ساختار سیاسی، به قدری شایع است که اندیشمندی همچون فرانتس فانون، این امر را یک قانون دانسته می گوید: «انقلاب، فرزندان خود را می بلعد» در انقلاب ما اما امر به گونه ی دیگری

بروز و ظهور نهضت ها و جنبش های انقلاب گونه، همواره با فضای ملتهب و متشنج توأم بوده است و این غبار آلوده بودن جو، موجب آن می شود که طیف ها و گرایش های مختلفی و هر یک با قصد و نیتی، وارد صحنه ی مبارزات شوند. این تلون و گوناگونی اهداف، امری است که در اثنای مبارزه، یا اساسا مشخص نمی شود و یا رهبران انقلاب به منظور جلوگیری از بروز تشتت و چنددستگی در اردوگاه مبارزین، بدان وقعی نمی نهند و تمام توش و توان خود را مصروف مبارزه با دشمن مشترک می نمایند.

پس از به ثمر نشستن و پیروزی انقلاب ها و سقوط حکومت مستقر و با فرارسیدن هنگامه ی تشکیل نظام جدید، اما این اختلاف نظرهای مبارزین به طور جدی رخ می نمایند و هر کدام خواستار تشکیل حکومتی مبتنی بر ایدئولوژی خود می گردند و با توجه به این امر که نهایتا می بایستی یک ایدئولوژی که مقبول اکثریت است، حاکم گردد ممکن است میان مبارزین بر سر غنائم فتح، نزاع

## سقوط آزاد قیمت نفت، تهدید یا فرصت؟

بودجه ناشی از کاهش قیمت جهانی نفت، جبران گردد.

به دیگر سخن، دولت در مواجهه با این امر، ساده ترین و پیش پا افتاده ترین تصمیم را اتخاذ نموده است و در حالیکه عقل و منطق حکم می کند که حتی المقدور، فروش نفت را کاهش داده، بودجه را از منابع دیگری تامین نماید، قصد آن دارد که چوب حراج به این ثروت ملی بزند و نفت، این طلای سیاه را به ثمن بخس بفروشد تا بی تدبیری و ضعف مدیریتی اش در قالب کسری بودجه، رخ نماید.

بیم آن می رود که به واسطه اینگونه اقدامات دولت، در آینده ای نه چندان دور،

چندین ماه از درگرفتن یک جنگ تمام عیار نفتی توسط کشورهای عربی حاشیه ی خلیج فارس علیه کشورمان می گذرد. جنگی که هدف آن کاهش شدید قیمت نفت در بازار های جهانی و به تبع آن ضربه زدن به اقتصاد متکی بر نفت ایران از طریق کاهش درآمد های دولت است.

این امر، در نگاه اول یک تهدید بزرگ برای اقتصاد ایران به نظر می رسد چرا که درآمدهای دولت از فروش نفت را به یک چهارم، تقلیل می دهد. اما اگر نیک به این موضوع بنگریم در می یابیم که با یک مدیریت صحیح می توان این تهدید را به بزرگترین فرصت تبدیل نمود؛ بدین ترتیب که دولت می بایست اتکاء بودجه بر نفت را کاهش داده، برای تامین هزینه های جاری، بر مالیات ها و صادرات غیرنفتی تکیه نماید و بدینوسیله بیماری مزمن اقتصاد ایران که همانا «اقتصاد تک محصولی نفت محور» می باشد را برای همیشه ریشه کن نماید تا هم از خام فروشی نفت رهایی یابیم و هم آسیب پذیری اقتصاد در اثر کارشکنی کشورهای عربی نفت خیز را که اکثرا دست نشانده و عروسک های خیمه شب بازی دول غربی هستند، برطرف نماییم.

اما دولت گویی چندان اعتقادی به مفهومی به نام «اقتصاد مقاومتی» و ساز و کارهایی همچون کاهش وابستگی به نفت، ندارد و شاهد مثال این مدعا، تصمیم وزارت نفت برای افزایش ۵۰۰ هزار بشکه ای عرضه است تا از این رهگذر، کسری

شاهد بروز و ظهور معضلی به نام «بحران فقدان انرژی» باشیم؛ چرا که دولت فخیمه، از یک سو دستاوردهای هسته ای و ذخایر اورانیوم را بر باد داده و از طرف دیگر، روند خام فروشی نفت را تسریع می نماید که پیامد آن اتمام زود هنگام ذخایر سفره های نفتی خواهد بود.

دولت گویی چندان اعتقادی به مفهومی به نام «اقتصاد مقاومتی» و ساز و کارهایی همچون کاهش وابستگی به نفت، ندارد.

در پایان نوشتار برای پی بردن به اهمیت وافر نفت، توجه شما را به جمله ای از شیمیدان شهیر روسی، دیمیتری مندلیف جلب می نمایم:

سوزاندن نفت به عنوان سوخت «همانند برافروختن اجاق گاز با اسکانس است»...

محمدسعید ابراهیمی، حقوق ۹۲ |



بیم آن می رود که به واسطه اینگونه اقدامات دولت، در آینده ای نه چندان دور، شاهد بروز و ظهور معضلی به نام «بحران فقدان انرژی» باشیم.



ما از مردم خواهش میکنیم که درخت را پاس بدارند و فضای سبز را اهمیتیت بدهند. «هر ایرانی یک درخت» که گفته میشود و در زبانها هست، شعار خوبی است؛ سعی کنند در این ایام - که ایام درختکاری و فصل درختکاری است - هرچه میتوانند [کاشت درخت را] افزایش بدهند. و جلودست تظاولی که دراز میشود گاهی به فضاهای سبز را، هم مردم و هم مسئولان بخصوص بگیرند.

## عکس و مکث

### تذکره الاشقیاء

#### ۳ - عطاء... مهاجرانی

سید عطاء... مهاجرانی در تاریخ ۲ مرداد ۱۳۳۳ در

استان مرکزی متولد شد.

او در نخستین مجلس پس از انقلاب اسلامی نماینده شیراز در مجلس بود. در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی به عنوان معاون پارلمانی رئیس جمهور همکاری می کرد و در دولت اصلاحات، عهده دار وزارت ارشاد بود.

مواضع انقلابی مهاجرانی:

در مرداد سال ۶۲ هنگامی که مهدی بازرگان، با نطقی چالشی در مجلس، رویه نظام را استبداد دانست، مهاجرانی پاسخ تندی به او داد و نوشت: «عراق جبهه‌ها را بمباران می کند و بازرگان پشت جبهه‌ها را.»

تغییر موضع پس از سال‌ها:

این در حالی بود که وی در سال ۸۸ مدعی شد: «بازرگان از عصر خود فراتر بود... به گمانم یکی از مبانی شخصیت و منش او که به بازرگان مجال می داد تا از زاویه درست بنگرد، نگاه قرآنی او بود.»

وی در تاریخ ۶ اردیبهشت ۶۹ با مقاله ای را تحت عنوان «مذاکره مستقیم با آمریکا» در روزنامه اطلاعات به تحریر درآورد که واکنش های بسیاری در پی داشت.

واکنش رهبر معظم انقلاب به مقاله مهاجرانی:

من معتقدم، آن کسانی که فکر می کنند ما باید با رأس استکبار - یعنی آمریکا - مذاکره کنیم، یا دچار ساده لوحی هستند، یا مریوبند.

تلاش برای ریاست جمهوری مادام العمر هاشمی:

مهاجرانی در آبانماه سال ۷۳ اظهار داشت: «اگر امکان تغییر در قانون اساسی وجود داشته باشد آقای هاشمی شایسته ترین فرد برای احراز این مسئولیت است.

توهین به مراجع و علما:

مدیریت ضعیف مهاجرانی بر وزارت فرهنگ باعث شد که پس از یک سال برای استیضاح به مجلس فراخوانده شود. مهاجرانی که از استیضاح نمایندگان مجلس با لطایف الحیل فراوان جان به در برد در کتابی با عنوان «استیضاح» توهین های عذیده‌ای را به نمایندگان ملت و برخی مراجع تقلید روا داشت...

تساهل و تسامح، یا یک بام و دو هوا:

حمله به احکام اسلامی و ایجاد تردید و تشکیک در آن‌ها توسط مطبوعات دوم خردادی بدون هیچ محدودیتی عملیاتی شد...

اما عرصه بر نشریات منتقد دولت آنچنان تنگ می شد که از گفتن و نوشتن پشیمان گردند.

مردادماه سال ۱۳۸۳، با انتشار خبری مبنی بر این که مهاجرانی تاکنون ۶ زن را به عقد خود درآورده است؛ وزیر ارشاد دولت اصلاحات فرار را بر قرار ترجیح داده و به انگلیس عزیمت کرد.

اوایل مهرماه ۱۳۸۹، خبرنگار شبکه العربیه طی مصاحبه ای از وی پرسید آیا معتقد است که باید سلمان رشدی را کشت یا خیر؟ مهاجرانی نیز به این سوال چنین پاسخ داد: «من مخالف کشتن سلمان رشدی هستم و معتقدم که باید هر فرد و هر ملیتی به عقاید نویسندگان و افراد دیگر احترام بگذارد!»

افاضاتی چند از زینت الوزرای دولت اصلاحات:

نظریه غیرت دینی ویران کننده اندیشه و فرهنگ و تمدن است. (آر.یا، ۱۶/۱/۷۹)

رقص را نباید همواره ناپسند دانست. (نشاط، ۷۸/۶/۱)

آن را که حساب پاک است از اطلاع رسانی چه باک است؟ مگر اینکه...



مطبوعات: بعضی کاندیداهای اصلاح طلب بارها از مفسدین شناخته شده اقتصادی پول گرفته اند.

telegram.me/DrSalaam



کی گفته اصلاح طلبا فساد دارن؟ شما یه اصلاح طلب به جز کروی، شهرام جزایری، خاندان ه-ر، کرباسچی و... پیدا کنید که فساد داشته باشه...

-اولی: دولت روحانی به اقتصاد مقاومتی معتقد. -دومی: آره، کانگوروها هم پرواز می کنند...



telegram.me/DrSalaam

### ارتباط با ما

...لطفا انتقادات، پیشنهادات و نقطه نظرات خود را با ما درمیان بگذارید...

۰۹۳۸۲۲۳۹۹۷۴

ghalam313@chmail.ir